

سید هادی طباطبایی

رومینا-داس؛ و ضرورت یک گذار

(

دخترکی دیگر قربانی شده. پدری غیرت ورزیده و دخترش را سر بریده است. به چه علت؟ که چرا بر سر سفرهی عقد نمینشیند و مهریه طلب نمیکند و قَبْلُ بر زبان نمیآورد. روایتها بر سر این ماجرا بسیار است. آنچه مسلم است اینکه دخترک به سودای سبکی از زندگی اقدامی کرده که پدر را خوش نمیآمده است. رسوم سختی بر گرد امر نکاح تنیده است. رسومی که هر زمان در حال تغییر است؛ اما این تحولات را ندیده، حکم بر تَصْلُب آن کردن بعضاً فجایی را رقم میزند.

زمانهای برگزیدن چند همسری مرسوم است و هنگامهای دگر همین عمل، ناپسند و ناروا. در زمانی زوجین تا هنگامهی تزویج، یکدیگر را ندیده و به شانس و اقبال بسنده کرده و پای سفره عقد حاضر میشوند، اما در زمانهای دگر این عمل نابخردانه و غیر متمدنانه. در هنگامهای کثرت فرزندآوری معمول و مرسوم میشود و در موعدی دگر این عمل شگفت و تعجب آور. هر زمانه و هر فرهنگی، مواجههای با ماجرای ازدواج، -این مقولهی همیشگی تاریخ بشریت- داشته است.

و چه تلخ است که این تغییرها با هزینهی بسیاری همراه میشود. گاه جان میستاند، گاه خانوادهای به ویرانی می-کشاند و گاه نسلی را تلف میکند. و چه نامقبول است جامعهای که این تغییرات را باور نکند و پاسخهای کهنه به سئوالات جدید دهد. به گفتهی ویل دورانت همان زمان است که مرگ تمدنها فرا میرسد.

کثرت ناکامیهای ازدواج در زمانهی معاصر، تلنگری است که این امرِ مقبول خداوندی میتواند تحولی پذیرد و امر ازدواج از زوائد آن پیراسته گردد و جامهای نو به تن کند.

رویگرد غالب فقیهانه همان است که امر نکاح را سنت حسنهی نبوی میخواند و آن را در جهت بقای نسل میخواهد. به عنوان نمونه، آیتالله جوادی آملی این رویکرد را برگزیده است. ایشان فهمِ ناصحیح نسبت به مقولهی ازدواج را عامل شکست میدانند. وی معتقد است که هدف از ازدواج را نمیباید کسب لذت قرار داد. هرگاه که لذت، هدف ازدواج باشد، به ناکامی هم میانجامد. وی با قیاسی اینگونه عنوان میکند که: «مبادا خیال کنید نکاح برای آن است که شما لذت ببرید. خیر؛ ازدواج همانند غذا خوردن است. برخی خیال میکنند که غذا خوردن برای لذت بردن است، اما حقیقت آن است که غذا خوردن برای زنده ماندن است. ازدواج نیز برای آن است که بشر محفوظ بماند»[۱].

در نظر آیتالله، هدف از ازدواج، حفظِ نوع بشر است. خداوند لذتی نیز در این ازدواج قرار داده تا بشر به سمت آن راغب و مایل شود. در حالی که برخی تصور میکنند این لذتِ اندک، هدف و غایتِ اصلی از ازدواج است؛ هرگاه که از این لذت سیر میشوند، از ازدواج نیز پای پس میکشند. خداوند اما این لذت را قرار داده است تا نوع بشر محفوظ

بماند. در نظر آیت الله گویی اگر ازدواجی واقع شود و در آن فرزندی به دنیا نیاید و گامی در راه حفظ نوع بشر بر ندارد، رسالت ازدواج نیز برآورده نشده است.

آیت الله جوادی، مواجهه دیگری نیز با ناکامی‌ها در امر ازدواج دارد. ایشان در این خصوص میان «ازدواج» و «نکاح» تمایز مینهد. در آیات و مآثورات دینی به کرات از نکاح سخن به میان آمده و آن را سبب ساز آرامش دانسته و برکات عدیده‌های بر آن مترتب شده‌اند. اما گاه ازدواجهایی به وقوع می‌پیوندند که طرفین در آن، روی آرامش نمی‌بینند. آیت الله جوادی آملی، برای تبیین این موضوع، بر این باورند که: «ازدواج که اجتماع نر و ماده است در همه حیوانات وجود دارد. و هر کس به دنبال اجتماع می‌رود، کار او و ازدواج او حیوانی است و طبیعی است محصول این ازدواج فرزند صالحی نباشد. این در حالی است که رسول(ص) می‌فرماید من نکاح آوردم. چیزی که انسان اگر آن را انجام دهد نصف دینش کامل می‌شود نکاح است نه ازدواج. پس این نکاح با آن ازدواج بسیار متفاوت است».[۲]

اینگونه تبیین ماجرا، تا چه میزان می‌تواند از بشر امروز دستگیری کند؟ اینکه ازدواج‌های موفق را «نکاح» بنامیم و هر گاه به عدم موفقیت انجامید آن را «ازدواج» تلقی کنیم، آیا می‌تواند چاره‌ی کار باشد؟

این انگاره‌ها رویکرد غالب در جامعه دینی بوده است. و اگر چه در مقام توصیه، امری مقبول است اما در عمل، توقعات بسیاری را پاسخ نمی‌دهد و برخی معضلات امر ازدواج را به سامان نمی‌کنند. در این میان برخی از نواندیشان کوشیدند تا به این امر سخت و صلب جامعه دینی توجه کنند.

مصطفی ملکیان از جمله افرادی بود که به این موضوع وارد شد. وی ساختار ازدواج در جهان امروزی را مورد انتقاد قرار داد. او تا بدانجا پیش رفت که اساساً ازدواج به شیوه سنتی را امری غیر اخلاقی نامید. وی با برشمردن ادله‌های اذعان کرد که ازدواج یک نهاد غیر اخلاقی است و آنان که پروای مسائل اخلاقی دارند، نباید به این مقوله وارد شوند.[۳] ملکیان اما بر این باور است که برای حل مشکلات اخلاقی ازدواج لازم نیست نهاد ازدواج را از بین ببریم؛ بلکه باید آن را متحوّل کنیم. تحوّل در نهاد ازدواج نیز بدعت نیست؛ بلکه در طول تاریخ سابقه دارد. تحوّل از چند همسری زنان به چند همسری مردان و سپس تک همسری یکی از این تحولات است.[۴]

ملکیان به تحول در ساختار ازدواج باور دارد و آن را چاره‌ی کار می‌بیند. او پیشنهاد می‌کند که همهی ازدواج‌ها می‌باید موقت فرض شود. مادامی که شرایط تعیین شده برای زندگی برقرار بود، زندگی ادامه یابد و اگر این شرایط نبود، رابطه را قطع کنند تا زن و شوهر از لحاظ روانشناختی آسیب نبینند. حالا ولو زندگی مشترکشان یک هفته باشد. زندگی وفادارانه مهم است نه مدت و طول ازدواج. یک مرد ممکن است با همسرش ۱۰ بار زندگی مشترک کند و هر ده بار را زندگی وفادارانه داشته باشد. مدت‌های کوتاه و موقتی را برای ازدواج برگزینند و اگر رضات به ادامه داشتند آن را تمدید کنند. نه اینکه در ابتدای جوانی پیمانی برای یک عمر ببندند و در این پیوند ناکامی و تلخی‌های بسیاری را تجربه کنند. قراردادهای کوتاه بستن برای ازدواج، می‌تواند تا حدی سلامت آن را تضمین کند. ملکیان این ایده‌ی خود را به نحوی گذرا طرح کرد و چندان به آن نپرداخت.

سروش دباغ اما متن مبسوطی نوشت و از سبک دیگری از ازدواج سخن گفت. وی بحث خود در خصوص ازدواج را معطوف به ماجرای «ازدواج عرف» کرد. دباغ ازدواج‌های مرسوم و معمول را نیز غیر اخلاقی نمی‌داند. وی در مقاله- ای که در خصوص ازدواج عرفی منتشر کرده، تنها بر آن است که از زوایای اخلاقی و دینی این نحوه از ازدواج(ازدواج

عرفی) - که رفته رفته فراگیر می‌شود-، پرده بردارد. این به معنای نامقبول انگاشتن دیگر انحاء ازدواج در نظر ایشان نیست.

تعریف وی از ازدواج عرفی چنین است: «ازدواج عرفی یا هم باشی، به معنای با هم بودن و زندگی کردن دو غیر همجنس است. در روزگار کنونی برخی ترجیح می‌دهند پیش از اینکه با کسی پیوند ازدواج دائم به شیوهی شرعی ببندند، ازدواج عرفی را تجربه کنند. این ارتباط میتواند به ازدواج بینجامد و یا پس از مدتی به انتها برسد. در ازدواج عرفی هر چند که عقد دائم صورت نگرفته، اما طرفین مادامی که با یکدیگر زندگی میکنند، نسبت به هم تعهد اخلاقی دارند و نقض آن از هر سو، کاری غیر اخلاقی و مصداق خیانت محسوب می‌شود».[۵]

دباغ برای این سبک از زندگی، از پشتوانه‌های فقهی هم کمک گرفت و بحث از نکاح معاطات را پیش کشید و بر این مهم تأکید کرد که این سبک از ازدواج خلاف اراده‌ی شارع نبوده و از این حیث نیز خُردهای بر آن روا نیست. دباغ با تمسک به تعالیم فقهی، حتی تعیین «مهریه» و «مدت» را نیز در این خصوص پیش می‌کشد و عنوان میکند که در این سبک از ازدواج میتوان از این دو مقوله نیز سخن به میان آورد.

بحث از مهریه هم از جمله مواردی است که مورد بحث‌هایی در امر ازدواج سنتی بوده است. ابوالقاسم فنائی با رویکردی که به فلسفه‌ی فقه دارد، اینگونه موارد را مختص به آداب جامعه صدر اسلام میدانند و برخی از این مقولات را در جهت تعدیل نگاه گذشتگان قلمداد میکند. وی مدعی است که اسلام مهریه را در زمانهای وضع کرده که در حق زنان جفا می‌رفته و حقوق آنها نادیده گرفته می‌شده است. به تعبیر وی «در جامعه‌ای که با زن به صورت یک شیء قابل خرید و فروش برخورد می‌شود، برای ازدواج با او خواستگار باید مبلغی را به عنوان مهریه به پدر و یا برادر یا عموی آن زن بپردازد، و شوهر مالک زن است و اگر بمیرد آن زن به فرزندان ذکور خود به ارث می‌رسد. اولین گام در راستای اصلاح تدریجی حقوق زنان و برطرف کردن تبعیض حقوقی میان زنان و مردان این است که گفته شود: زن از شخصیت حقوقی برخوردار است؛ مهریه باید به خود زن پرداخت شود نه به پدر یا برادر یا عموی او؛ زن می‌تواند مالک داراییهای خود باشد و حق دارد در ازای خدماتی که در نگهداری فرزندان و پختن غذا و تمیز کردن خانه انجام می‌دهد از شوهر خود مطالبه مزد کند و اگر شوهر او بمیرد مقداری از ثروت شوهر خود را به ارث خواهد برد و اگر پدر یا مادر او بمیرد نیز مقداری از ثروت آنان را به ارث خواهد برد. روشن است که چنین تحولی در نظام حقوق زن و خانواده در مقایسه با نظام حقوق زن و خانواده پیشین نوعی اصلاح حقوقی در راستای ارزشهای اخلاقی و برطرف کردن تبعیضهای اخلاقاً ناروا قلمداد می‌شود. بلی اگر کسی بخواهد این گام نخستین را به عنوان گام نهایی قلمداد کند و ادعا کند که چنین نظام حقوقی‌ای همان نظام ایده‌آل و آرمانی است، معلوم می‌شود که نه با منطق اصلاحات پایدار حقوقی آشناست و نه در باب ربط و نسبت حقوق و اخلاق دیدگاه درستی دارد».[۶]

این رویکردها اگر چه در راه اصلاح مقوله‌ی ازدواج طرح شده است، اما سبک زندگی‌های امروزی اقتضا میکند که ازدواج را تنها و حتمی‌ترین راه ممکن در زندگی در نظر نیاورد. سبک‌های زندگی دیگری را نیز می‌باید به رسمیت شناخت. آرش نراقی در کوتاه‌نوشت‌های این موضوع را طرح کرد. او گفت که: در تفکر سنتی «تجرد» مرحله‌های موقت و انتقالی در زندگی فرد است. فرد مجرد دیر یا زود باید ازدواج کند تا «سر و سامان» بیابد. یعنی انگار تجرد نوعی بی‌سر و سامانی است. و اگر دوران تجرد به درازا بکشد، یک گمان بد به فرد مجرد می‌رود. انگار که زندگی طبیعی و اخلاقی جز با گذر از مرحله انتقالی تجرد دست نمیدهد. در بهترین حالت، باید به حال فرد مجرد دل سوزاند».[۷] نراقی با ترسیم این دیدگاه سنتی عنوان کرد که: «از ویژگی‌های دوران مدرن این است که رفته رفته فرهنگ عمومی، تجرد را نه

به مثابه مرحله‌های موقت یا غیر طبیعی یا غیر اخلاقی یا ترحم برانگیز، بلکه به مثابه نوعی سبک زندگی به رسمیت می‌شناسد. سبک زندگی آدمها به تناسب سرشتشان فرق میکند. بعضی آدمها در کنار همسر و فرزند شکفته میشوند، بعضی آدمها در خلوت دل خواسته خود آرامش و قرار مییابند».[۸] نراقی با تمایز نهادن میان سنخ روانی انسانها، ازدواج به شکل مرسوم و معمول آن را مناسب برای همگان نمیداند و افرادی را در نظر میآورد که نمیتوانند از طریق این نحوه از ازدواج به شکوفایی برسند.

باری! امر ازدواج مقبول و مرسوم است؛ اما میتواند پیراسته گردد، میتواند مورد بازخوانی و بازنگری‌های بسیار قرار گیرد. متولیان امر اگر دیگر قرائت‌ها در این وادی را نشنوند و همواره از در مخالفت با آن برآیند و به یک شیوه از ازدواج تعصب ورزند و آن را تبلیغ و ترویج کنند، گاه اثرات نامطلوبی در جامعه بر جای مینهد، آمار ناکامی‌ها در ازدواج را بالا میبرد، و شاید هم پای داس را به میان آورد.

پینوشته‌ها

[۱] آیت الله جوادی آملی، بیانات در تفسیر آیات ۸ تا ۱۲ سوره شوری، ۲۹/۲/۹۴؛ تفاوت ازدواج با نکاح چیست؟ نقل از سایت شفقنا، کد خبر: ۱۱۸۷۲۸

[۲] همانجا

[۳] ملکیان این ادعا را در گفتگویی شخصی و خصوصی انجام داده است. وی این مدعا را به نحو منقح مکتوب نکرده است. این نظر ملکیان اما بازتابهایی داشت. (نک وبلاگ صدای پای آب؛ همچنین سایت تریبون زمانه؛ کد خبر ۹۵۹۵) این موضع ملکیان مورد انتقادهایی نیز قرار گرفت. به عنوان نمونه نگاه کنید به: سید حسن اسلامی؛ مسأله این نیست، وسوسه این است، در باب اخلاقی بودن ازدواج؛ وبسایت سید حسن اسلامی، ۶/۲/۹۲؛ همچنین: حسین دباغ، پدیدار شناسی قمار فرزندآوری، سایت صدانت

[۴] رک: آیا ازدواج اخلاقی است؟ نقل از سایت دانشنامه روانشناسی مردمی، ۶/۲/۹۴

[۵] سروش دباغ، ازدواج عرفی در ترازوی اخلاق، سایت زیتون، ۱۹/۷/۹۶؛ کد خبر ۳۶۶۱۶؛ اینک در کتاب: ورق روشن وقت

[۶] ابوالقاسم فنائی، نقش دین در خشونت(۱)، سایت نیلوفر

[۷] نقل از صفحه شخصی آرش نراقی در فیسبوک

[۸] نقل از همانجا

